

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

| مرحله‌ی آماده‌سازی فایل | | | |
|---------------------------|------------|----------|----------------------|
| تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی | ویرایش دوم | ذکر مآخذ | تصحیح و ویرایش اولیه |

محبت امام حسین علیه السلام

کلمات کلیدی: امام حسین علیه السلام، محبت، تکوینی، مؤمنان، یگانگی، خلوص، ذوب شدن، مصیبت، شکر. تذکراتی را در رابطه با مسائل بزرگداشت خاطره‌ی نهضت حسینی علیه السلام لازم می‌دانم عرض کنم. نکته‌ی اول، محبت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است. منسوب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که حضرت فرمودند: **إِنَّ لِلْحُسَيْنِ مَحَبَّةً مَكُونَةٌ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ**^۱ برای اباعبدالله‌الحسین علیه السلام محبتی پنهانی در دل‌های مؤمنین وجود دارد. محبتی که در تکوین، سرشت و خلقت آنها تعبیه شده است. خدا را شاکریم که ما را از جمع مؤمنان قرار داد و این محبت را در سرشت و جان ما تعبیه فرمود.

محبت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام گوهر بسیار گرانبهایی است که شاید در گنجینه‌ی الهی هم‌تا و هم‌ردیف آن پیدا نشود؛ این محبت آثار بسیار عظیمی دارد. در گذشته هم کراراً به جنبه‌هایی از این بحث اشاره کرده‌ایم؛ منتها امروز می‌خواهم نکته‌ی خاصی را خدمتان عرض کنم و آن اینکه اباعبدالله‌الحسین علیه السلام کانون محبت مؤمنین هستند؛ محبتی که مؤمنین نسبت به آن بزرگوار دارند، وقتی از گنه وجودشان زبانه می‌کشد و آشکار می‌شود و به خودآگاه آنها منتقل می‌گردد و در حالات و احساس‌ها و رفتارهای آنها ظهور می‌کند، سبب می‌شود این مؤمنین اهل محبت نسبت به یکدیگر هم احساس محبت پیدا کنند؛ یعنی وقتی نسبت به اباعبدالله‌الحسین علیه السلام عشق و شیدایی و شور به حد کمال و تمام خود نزدیک می‌شود، صاحبان این محبت هم، نسبت به هم محبت پیدا می‌کنند. اباعبدالله‌الحسین علیه السلام

۱. کورانی‌العالمی، حق‌المبین، ص ۵۸۸ و مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۴۷.

کانونی است که سبب نزدیک و متمایل شدن قلوب مؤمنین به هم می‌شود. وقتی این نزدیکی کامل شد، دل‌ها به یگانگی می‌رسد؛ یعنی از آن پس دو تا دل، دو تا روح و دو تا جان نیست که به هم نزدیک شده باشد. اول حالت تقرب و نزدیکی پدید می‌آید؛ اما نهایتاً حالت یگانگی و یکتایی پیش می‌آید. دیگر دو تا دل نیست که به هم مایل باشند؛ بلکه یک دل است. ابتدا دل‌ها با محبت مثل ظروف مرتبته به هم ربط پیدا می‌کنند. ظروف مرتبته ظرف‌هایی هستند که از طریق رابطی به هم وصل می‌شوند. ویژگی این‌گونه ظرف‌ها این است که اگر مایعی را در یکی از آن دو بریزید، بخشی از مایع از طریق لوله‌ای که ظرف اول را به ظرف دیگر مرتبط می‌کند، به ظرف دوم منتقل می‌شود؛ در نتیجه هرچه در یکی از آن ظرف‌ها وارد شد، در دیگری هم وجود دارد. این قاعده در مورد مادیات است. مادیات تجزیه‌پذیرند و به این صورت درمی‌آیند؛ یعنی نیمی از مایع در این ظرف و نیم دیگر در آن ظرف خواهد بود.

اما در حقایق روحانی و معنوی این‌گونه نیست. اگر دو قلب به هم مایل و با هم یگانه باشند، چه خواهد شد؟ اصحاب اباعبدالله‌الحسین علیهم‌السلام چگونه بودند؟ در پرتو عشقی که به اباعبدالله‌الحسین علیهم‌السلام داشتند، آن‌گونه عاشق و فدایی یکدیگر شده بودند. وقتی در اثر محبت دل‌ها این‌گونه شد و به هم وصل شد، هر کمال و موهبت و عنایتی که شامل یکی از این دو دل می‌شود، بدون اینکه از اولی کاسته شود، به دل دیگر راه پیدا می‌کند. این رمز بسیار بزرگی است. اگر این یگانگی بین مؤمنین حاکم شود، هریک از آنها مورد عنایتی قرار بگیرد، توفیق عبادتی پیدا کند، زیارتی کند، حجی به جا - آورد، خلوت انسی با خدا برقرار کند، مورد عنایات و الطاف الهی قرار گیرد و موهبت‌هایی نصیب آن دل شود، عین آن موهبت‌ها نصیب کسی که با این صاحب‌دل یگانه شده است، هم می‌شود. این نکته - ی بسیار مهم و بزرگی است.

کارکرد ذوب شدن و گداختن در مصائب ابا عبدالله علیه السلام

۱. نجات انسان از ناخالصی‌ها و رسیدن به خلوص: منسوب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که فرمودند: **إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ [لَا يَبْرُدُ] أَبَدًا**^۲ برای شهادت ابا عبدالله الحسین علیه السلام حرارت و سوز و گدازی در قلب‌های مؤمنین برپاست که ابداً رو به برودت و سردی نمی‌گذارد. این آتش و اخگر همواره فروزان است. فرض کنید چند قطعه فلز دارید. یکی از کارهایی که آتش می‌کند، مذاب کردن فلزات است؛ آنها را ذوب می‌کند. وقتی سنگ‌های معدنی را در کوره می‌گدازند، فلز موجود در آن ذوب می‌شود و ناخالصی‌هایش جدا می‌گردد. محبت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و آتشی که شهادت مظلومانه و غریبانه‌ی آن بزرگوار بر جان مؤمنین افکنده، همین کار را می‌کند. یکی از کارهای بزرگ محبت ابا عبدالله الحسین علیه السلام این است که انسان را از ناخالصی‌ها نجات می‌دهد. محبت و داغ سنگین ماتم ابا عبدالله الحسین علیه السلام انسان را ذوب می‌کند و در پرتو این ذوب شدن، ناخالصی‌ها از او جدا می‌شود و خالص و ناب می‌گردد.

بنابراین اگر کسی در پی خلوص است، راهش گداختن در مصائب ابا عبدالله الحسین علیه السلام است. گاهی کسی در پی اخلاص است. اخلاص ناظر بر عملی است که انگیزه‌ی خدایی دارد؛ انگیزه‌ی غیرخدایی ندارد. چنین عملی مخلصانه است؛ اما خلوص مقام بالاتری است. خلوص مقام کسی است که در وجودش غیرخدا نیست؛ هرچه غیرخدا بوده، از بین رفته است. گاهی کسی طالب مقام مخلصین است؛ دنبال خلوص است، نه اخلاص. اخلاص بزرگ است؛ اما خلوص خیلی بزرگ‌تر است. اینکه انسان در کارش انگیزه‌ی غیرخدایی نداشته باشد، خیلی بزرگ است؛ اما از آن بسیار بزرگ‌تر و عظیم‌تر این است که در وجودش اصلاً غیرخدا نباشد. اگر بخواهیم این‌گونه شویم، راهش چیست؟ گداختن و ذوب شدن

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

در مصائب اباعبدالله الحسین (علیه السلام) چنین کارکردی دارد. ناخالصی‌ها را می‌سوزاند و از بین می‌برد. وقتی ذوب شدی، هرچه غیر است از وجود تو جدا می‌شود؛ این یکی از کارکردهاست.

۲. رسیدن به مقام یگانگی: کارکرد دوم ذوب شدن فلزات چیست؟ گاهی اوقات قراضه‌ها، یعنی فلزهای مستعمل را داخل کوره می‌ریزند و آنها را ذوب می‌کنند. تا قبل از ذوب شدن، هر قطعه‌ای از آنها هویت جداگانه‌ای دارد؛ اما وقتی ذوب شدند، به هم می‌آمیزند؛ هویت جداگانه از بین می‌رود و یکی می‌شوند. یگانگی‌یی که ابتدا اشاره کردم، در چنین موقعیتی به دست می‌آید؛ یعنی اگر انسان در مصائب آل الله (علیهم السلام) و از داغ سنگین اباعبدالله (علیه السلام) ذوب شود، مستعد می‌گردد که به مقام یگانگی برسد. مقام اخوت بین مؤمنین مقام بزرگ، محترم و ارزشمندی است که قرآن فرمود: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**؛^۳ اما بالاتر از اخوت هم هست. آن مقام **الْمُؤْمِنُونَ كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ**؛^۴ است. مقامی است که همه‌ی مؤمنان یکی - شوند و یک نفس واحد گردند. رسیدن به مقام نفس واحد در مصائب اباعبدالله (علیه السلام) حاصل می‌شود. دیده‌اید، در مجالس حسینی رنگ و ریا اصلاً می‌رود؛ اینکه من چه کسی هستم، تو چه کسی هستی، مقام من چیست، مقام تو چیست، منزلت اجتماعی من کجاست، منزلت اجتماعی تو چیست، اصلاً این حرف‌ها نیست! غنی و فقیر، صاحب‌منصب و فرد بدون مقام و منصب، همه به عزاداران اباعبدالله (علیه السلام) و خادمان هیئات و مجالس حسینی (علیهم السلام) تبدیل می‌شوند. این صفا و یگانگی مال گداختن در مصائب اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است. انسان افرادی را در جامعه می‌بیند که در سایر مواقع جز پول هیچ چیز برایشان معنا نمی‌دهد؛ چه می‌شود یک‌باره در این ایام همان اشخاص این‌گونه نذری می‌پزند و با التماس توزیع می‌کنند؟ این صفا و لطف از کجا آمد؟ این مال همین است.

۳. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰.

۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۶۳ و عبادی، مناقب الصوفیة، ج ۱، ص ۵۹ و جرجانی، جلاء الاذهان، ج ۱، ص ۱۱۵ و آقاجنی، اشارات-ایمانیه، ص ۱۶۹ (به نقل از: تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۷۲ و صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۰) و فیض کاشانی، صافی، ج ۱، ص ۴۴۴ و قمی مشهدی، کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۳۳۹ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۸۳ و مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۱، ص ۲۰.

شاکر بودن از خدای متعال به خاطر نعمت محبت به اباعبدالله علیه السلام

نعمت محبت اباعبدالله الحسین علیه السلام نعمت بسیار بزرگی است. امام صادق علیه السلام فرمودند: **مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ**^۵ وقتی خدای متعال اراده‌ی نیکی و خیر می‌کند و می‌خواهد خیری به بنده‌اش نصیب کند، محبت اباعبدالله الحسین علیه السلام و محبت زیارت و دیدار آن حضرت را به قلب او می‌اندازد و وارد می‌کند.

جا دارد از خدای متعال خیلی شاکر باشیم که این گوهر محبت را نصیب ما کرد. شکر نعمت سبب افزونی نعمت می‌شود. خداوند فرمود: **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ**^۶ قدر این نعمت محبت را بدانیم و شاکر باشیم تا این محبت افزون شود و با افزونی خود، ما را در اباعبدالله علیه السلام ذوب کند؛ همان‌طور که روز عاشورا اصحاب اباعبدالله علیه السلام در ایشان ذوب شدند. بارها خدمت عزیزان عرض کرده‌ام، در روز عاشورا در کربلا یک امام حسین علیه السلام نبود؛ هفتادوسه امام حسین علیه السلام بود. هفتادودو تای دیگر هم در اباعبدالله علیه السلام ذوب شده بودند. هریک از آنها در حدّ ظرف وجودیشان یک اباعبدالله علیه السلام بودند. به یک نمونه‌ی برجسته‌اش هم اشاره کرده‌ام. وقتی حضرت ابوالفضل علیه السلام سپاه دشمن را شکافتند و خود را به شریعی فرات رساندند، تا برای کودکان تشنه‌کام و جگرهای سوزانی که در خیمه‌ها چشم‌به‌راه ایشان بودند، آبی بیاورند، وقتی مشک را پر از آب کردند، دست‌ها را داخل نهر فرات بردند؛ کفّی آب برداشتند و نگاهشان که به آب افتاد، عبارت مقتل این است: **فَذَكَرَ عَطَشَ الْحُسَيْنِ علیه السلام**^۷ یاد تشنگی لب‌های اباعبدالله الحسین علیه السلام، یاد جگر سوخته و بریان اباعبدالله علیه السلام افتادند. چگونه یاد حضرت افتادند؟ اگر شما روبه‌روی مقداری آب قرار بگیرید، چه اتفاقی می‌افتد؟ عکس صورت شما در آب می‌-

۵. حرّعاملی، وسائل الشّیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۶ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۷۶ و ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۴۲.

۶. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۷.

۷. گروهی از نویسندگان، موسوعه‌الامام الحسین علیه السلام (تاریخ امام حسین علیه السلام)، ج ۹، ص ۴۱۴ و شیخ‌بهائی، مفتاح‌الفلاح، ص ۱۷۷ و

قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۳، ص ۶۷.

افتد. حضرت ابوالفضل علیه السلام مشت آب را روبه روی خودشان گرفتند؛ اما در آب چه کسی را دیدند؟ عکس امام حسین علیه السلام و لب های ترک خورده و تشنه ی اباعبدالله علیه السلام را دیدند؛ یعنی ابوالفضل علیه السلام اباعبدالله علیه السلام شده بودند؛ لذا عکس اباعبدالله علیه السلام در آب افتاد. آن گاه لب های تشنه ی اباعبدالله علیه السلام را یاد کردند.

محبت به اباعبدالله علیه السلام نعمت بزرگی است. از خدا بخواهیم ما را شاکر این نعمت قرار دهد و توفیق شکر این نعمت را در حدّ ظرف وجودیمان به ما عنایت کند، تا این نعمت به حدّ کمال خود برسد و از تکوین و از کینونت ما ظهور و بروز پیدا کند تا ما را بسوزاند؛ در سوز خود ما را بگدازاند و در گدازش ما را ذوب کند. امیدواریم با این ذوب شدن به همه ی آن کمالات نائل شویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ